



بسم الله الرحمن الرحيم

بحثمان در شرط اول از شرایط صحت صوم یعنی اسلام و ایمان بود ، جلسه ی قبل فرق بین اسلام و ایمان را ذکر کردیم و گفتیم اسلام همان ادای شهادتین به زبان است ولی ایمان به دو معنا می آید ؛ معنای اول این است که امری قلبی باشد مانند آیه ی : « قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ » و معنای دوم این است که مراد از آن ولایت اهل بیت باشد ، از حواشی فقهاء استفاده می شود که مراد صاحب عروة از ایمان همان معنای دوم است .

الأول : الإسلام و الإيمان فلا يصح من غير المؤمن و لو في جزء من النهار فلو أسلم الكافر في أثناء النهار و لو قبل الزوال لم يصح صومه . فرع دیگر در عبارت مزبور این است که اگر کسی هر چند در یک جزء از روز مؤمن نباشد روزه اش باطل است ، دلیل آن قاعده ای است که می گوید ؛ آنچه در کل شیء شرط است در کل اجزاء هم شرط است إلا ما خرج بالدلیل حتی اگر یک جزء بدون آن شرط اتیان شود آن جزء فاسد می شود و به تبع آن کل هم فاسد می گردد ، مثلا اگر کافری در أثناء روز مسلمان شود حتی اگر قبل از ظهر باشد باز روزه ی آن روز از او صحیح نمی باشد و علت ذکر قید ؛ ولو قبل الزوال در کلام صاحب عروة برای این است که در بعضی موارد اگر قبل از ظهر نیت صوم محقق می شد روزه صحیح بود ولی در مسئله ی فوق چنین نیست زیرا آن موارد به دلیل نص بود و در ما نحن فیه هیچ نصی وجود ندارد .

صاحب عروة در ادامه می فرمایند : « و كذا لو ارتد ثم عاد إلى الإسلام بالتوبة و إن كان الصوم معينا و جدد النية قبل الزوال على الأقوى » . به هر حال بحث در شرطیت

ایمان و اسلام است ، آیه الله بروجردی به صاحب عروة اشکال می کنند که ایمان شرط صحت نیست هر چند که شرط قبولی عمل می باشد از این رو نماز و عبادات اهل سنت صحیح است ولی از آنها قبول نمی شود ، صاحب وسائل نیز در جلد ۱ و سائل ۲۰ جلدی در باب ۲۹ از ابواب مقدمات عبادات روایات مربوط به این بحث را ذکر کرده و فرموده اینکه بدون ولایت عمل قبول نمی شود از ضروریات مذهب است و روایات آن فوق حد تواتر است . و اما این روایات اختصاص به شیعه ندارد ، علامه امینی در الغدیر جلد ۲ مناسب با شعری از عبدی در مورد غدیر به شعری اشاره می کند که اگر ولایت نباشد هیچ عملی قبول نیست : « لا يقبل الله لعبدا عملا حتى يواهبهم باخلاص الولا » عبدی از شعرای برجسته بود و حتی در تاریخ آمده که سید حمیری را ملاقات کرد و چند اشکال بر شعر او گرفت و او هم قبول کرد بعد حمیری اعتراف کرد که عبدی اشعر است ، عبدی کسی بود که خدمت امام صادق علیه السلام می رسید و حضرت به اطرافیان می فرمودند ؛ بنشینید تا عبدی برای شما شعر بخواند حتی یک بار عیال امام علیه السلام در پشت پرده اشعار او را که در رثای امام حسین علیه السلام بود شنیدند و صدای گریه ی آنها بلند شد و در روایت از امام صادق علیه السلام آمده است : « علموا اولادکم اشعار عبدی » . از حاکم و غیره از ابن عباس نقل شده که : « و لو أن رجلا صنف بين الركن و المقام فصلى و صام ثم مات و هو مبغض أهل بيت محمد(ص) دخل النار » . همچنین از خواریزمی در مناقب از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که : « يا عليُّ لو أن عبداً عبد الله مثل ما قام نوح في قومه و كان له مثل أحد ذهباً فأنفقه في سبيل الله و مداً في عمره حتى حج ألف عام على قدميه ثم قتل بين الصفا و المروة مظلوماً ثم لم يوالك يا عليُّ لم يشم رائحة الجنة و لم يدخلها » و بعد این روایت را نقل می کند : « لو أن عبداً عبد الله ألف عام من بعد ألف عام بين الركن

آیه الله خوئی می فرماید؛ اگر نیت کرده باشد و بعد بیهوش شود روزه اش صحیح است ایشان قائل است اغماء مانند نوم و سکران است که اگر کسی اول وقت نیت کند و بعد تا غروب بخوابد روزه اش صحیح است ولی صاحب جواهر در جلد ۱۷ ص ۲۶۵ به طور قاطع می فرماید؛ روزه اش باطل است. صاحب شرایع می فرماید؛ شیخ مفید و شیخ صدوق قائل هستند که اگر اول نیت کرده باشد و بعد بیهوش شود روزه اش صحیح است بعد صاحب شرایع این فتوا را قبول نمی کند و می فرماید؛ باید در تمام ساعات روز مست و بیهوش نباشد و صاحب جواهر هم همین قول را قبول می کند. و اما بنده عرض می کنم که نوم را نمی شود با اغماء و سکران مقایسه کرد زیرا در نوم انسان هر چند به خواب رفته است ولی با مختصر توجهی بیدار می شود ولی کسی که بیهوش و یا مست است چنین نیست.

برای حل این مسئله باید معنای روزه را بررسی کنیم که آیا معنای آن صرف امساک است و یا اینکه فرد باید از طلوع فجر تا غروب به حالت روزه توجه داشته باشد و نیت برای او استمرار داشته باشد؟ اگر شق دوم صحیح باشد واضح است که مست و بیهوش و مجنون نمی توانند روزه بگیرند، بلکه شارع خواب را استثناء کرده است و آن را مزاحم روزه به حساب نیاورده است زیرا در غیر این صورت مردم به عسر و حرج می افتادند همچنین حالت غفلت و عدم توجه در طول روز مضر نمی باشد، بقیه بحث بماند برای جلسه بعد ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

وَالْمَقَامِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ مُبْعِضاً لِعَلِيٍّ أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» .

الثانی: العقل فلا يصح من المجنون و لو أدارا و إن كان جنونه فی جزء من النهار. صاحب وسائل در همان مقدمه ی عبادات در باب سوم احادیث شرطیت عقل را ذکر می کند و در آن احادیث باب عقل و جهل اصول کافی را ذکر می کند من جمله در حدیثی می خوانیم: «لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَا إِنِّي إِيَّاكَ أَمَرْتُ وَ إِيَّاكَ أَنْهَيْتُ وَ إِيَّاكَ أَعَاقَبْتُ وَ إِيَّاكَ أَثَيْبْتُ» .

صاحب عروة در ادامه می فرماید که حتی اگر جنون ادواری هم باشد یعنی گاهی مجنون است و گاهی نیست و این جنون در یک بخشی از روز ایجاد شود کل صوم آن روز از بین می رود، علت آن هم این است که مجنون امر ندارد امر که نداشت عمل از او صحیح نیست و حتی اگر یک جزء از عمل از بین برود کل هم از بین می رود.

بعد صاحب عروة می فرماید: «و لا من السكران و لا من المغمی علیه و لو فی بعض النهار و إن سبقت منه النیة علی الأصح» .

سکران کسی است که مست است و مغمی علیه کسی است که بیهوش می باشد این دو اگر روزه بگیرند صومشان صحیح نمی باشد. گاهی مست و بیهوش از اول طلوع فجر تا مغرب به این حال باقی می مانند ولی گاهی هر دو در اول وقت و در طلوع فجر خوب هستند و نیت روزه از آنها محقق شده و بعد مست یا بیهوش شده اند و همچنین مستی یا بیهوشی گاه تا غروب ادامه دارد و گاه در وسط روز خوب می شوند و نیت را تجدید می کنند و نیز گاهی مستی و بیهوشی عمدی است و گاه به سبب غیر عمدی چنین شده اند، تمام فروض مزبور را باید بحث کنیم.